

پژوهشی نو در میتراپرستی

کیهان‌شناسی و نجات و رستگاری در دنیای باستان

مؤلف: دیوید اولانسی

ترجمه و تحقیق: مریم امینی

ناشر: نشر چشمه

چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰

زرتشت به جز اهورامزدا، سایر خدایان را منسوخ داشت، اما بعد از او میتره (میترا) با جفت خود آناهیتا، مقام بالایی میان خدایان یافت؛ تا جایی که هخامنشیان او را همپایه اهورامزدا، و مظهر شجاعت و وفاداری به سرزمین‌های دیگر بردند.

پرستش میترا از بین‌النهرین به آسیای صغیر رفت و در آن‌جا به میتراس معروف شد و با آپولو و هلیوس (خدای خورشید) در آمیخت و صورت انسانی یافت.

در آسیای صغیر که چهارراه تلاقی ادیان و تمدن‌ها و سرچشمه پیدایش آئین‌های سری است، تا قرن اول ق م میترا را به عنوان خدایی ایرانی با ویژگی‌هایی چون: راستی، جنگاوری، دادگری و برکت بخشی می‌شناسند. اما پس از آن، بنابر گزارش‌های تاریخی، شهر ترسوس واقع در ایالت یا دولت شهر کیلیکیه، مرکز پیدایش آئین سری میتراس شد.

بنابر نوشته‌های مورخان چون پلوتارک و آپیانوس، این مهرداد اوپاترششم از فرمانروایان پونتوس و از خاندان اشکانی بود که دزدان دریایی این منطقه را با میتراس آشنا کرده و توسط همین دزدان دریایی، میتراس تا قرن اول میلادی در میان لژیون‌های امدادی و سربازخانه‌ها، صاحب منصبان و حتی امپراتوران روم نفوذ و در قرن چهارم میلادی روم را فرا گرفت.

نویسنده با توضیحات مختصری راجع به بعضی اصطلاحات و شرح اسطوره تولد تا معراج میتراس و مراحل هفتگانه سیر و سلوک، خواننده را با آئین سری میتراس آشنا می‌کند. و در پایان این نکته را می‌افزاید که مسیحیت در آغاز دشمن میتراپرستی بود و میتراپرستی در برابر رقیب سر تسلیم فرود آورد. اما حرکت بطنی تاریخ به ما می‌گوید، میتراس هنوز

کتاب حاضر به میتراپرستی، به عنوان یکی از جنجال‌برانگیزترین ادیان تاریخی که تا کنون به منصفه ظهور رسیده‌اند، می‌پردازد.

دیوید اولانسی، از محققان آمریکایی است که در دهه‌های اخیر حاصل پژوهش‌های خود را در ارتباط با میتراپرستی و میتراس، به شکل مقاله و سخنرانی در مجلات علمی-تخصصی و کنگره‌های بین‌المللی مطالعات میتراپرستی ارائه داده است، کتاب حاضر را اولین بار در سال ۱۹۸۸ و بار دیگر بعد از اصلاحاتی، در ۱۹۹۰ به چاپ رساند.

نویسنده سعی کرده است، خواننده را متوجه تفاوت مهرپرستی و میتراپرستی کند و با این هدف، نظرات پژوهشگران دیگر را درباره میترا نقل کرده است که به اختصار عبارتند از:

۱. مهر یا میترا پایه‌گذار مهرپرستی، پیامبری بود در یکی از شهرهای ایران در قرن سوم ق م متولد شد. این گروه برای میترا شخصیت تاریخی قائل هستند.

۲. آقای کومن (پدر اول میترا شناسی) و گروهی دیگر بر این باورند که میترا پرستی شکل یونانی شده مزدپرستی است.

۳. دیدگاه سوم که نویسنده هم با آن هم عقیده است، می‌گوید، میتراپرستی یا میتراس که آموزه‌هایش را بر دانش نجوم باستان قرار داده، وجوه تفاوتش بیش‌تر از تشابه با مهرپرستی ایرانی است و تا به حال مدرکی دال بر ستاره‌پرستی در ایران باستان به دست نیامده است. میترا، از کهن‌ترین خدایان هند و اروپایی است که در هند با جفت خود وارونا، تجلی نور در آسمان هستند. همچنین، پیوند دهنده افراد و پشتیبان ایمان و اعتقاد راسخ میان انسان‌هاست. میترا در ایران باستان، ارتباط نزدیک با روشنائی و جهان طبیعت داشته و عنوان متداول او «دارنده چراگاه‌های وسیع و الهه عهد و پیمان» است.

در این کتاب پس از مقدمه نسبتاً مفصل مترجم، متن اصلی می آید که در هشت فصل تدوین شده است. عنوان فصل‌ها عبارتند از: آئین‌های سری میتراس، گاوکشی و ستارگان، میتراس و پرسپوس، آئین پرسپوس در شهر ترسوس، استوای آسمانی، معنای گاوکشی، نمادپردازی میترای از کیهان و خاتمه.

نویسنده برای فهم هرچه بهتر توضیحات خود، از تصویر، نقش و طرح بهره برده است. همچنین، فهرست منابع و مأخذ فارسی و خارجی کتاب و یادداشت و نمایه، برای راهنمایی بیش‌تر خواننده، در انتهای کتاب آورده شده است.

ایران در شرق باستان،

مؤلف: ارنست هرتسفلد،

ترجمه: همایون صنعتی زاده،

ناشر: دانشگاه کرمان، ۱۳۸۱.

میهن ما ایران، پیشینه‌ای تاریخی و باستانی دارد و این ویژگی، توجه محققان و دانشمندان غربی را از دوره قاجاریه تا کنون به این سرزمین معطوف کرده است.

باستان‌شناسانی همچون: دیولافوا، گیرشمن و هرتسفلد، هریک به بررسی بخش‌هایی از تاریخ باستانی سرزمین ما پرداختند و سعی کردند، آن را از تاریکی ابهام خارج سازند.

ارنست هرتسفلد، باستان‌شناس شهیر و مؤلف کتاب حاضر، در مورد تاریخ ایران باستان کاوش‌های متعددی انجام داد. این مستشرق و ایران‌شناس آلمانی (۱۸۷۹-۱۹۴۷)، در قرائت خطوط باستانی و تسلط بر تاریخ ایران باستان، عراق و اسلام از اعجوبه‌های زمان خود بود، و در حدود ۱۹۰ کتاب، رساله و مقاله درباره تاریخ و تمدن و ادیان ایران، کلد، عیلام قدیم و اسلام نوشت. نام او پیوسته با تخت جمشید همراه است؛ زیرا موفق به خواندن کتیبه‌های آن شد. او کتاب مهمی درباره صنعت ایران باستان به نام «ایران و مشرق قدیم» و کتاب دیگری درباره زرتشت و دین‌های عهد او تألیف کرد. کشف کتیبه «پهلوی فیروزآباد» و کتیبه‌های سرمشهد، نزدیک کازرون، از دیگر کارهای اوست.

کتاب حاضر که در سال ۱۹۴۱ و در بحبوحه جنگ جهانی دوم منتشر شد، در واقع روایتی اصلاح‌شده و اندکی مفصل‌تر از هشت سخنرانی هرتسفلد، درباره تاریخچه باستان‌شناسی ایران است که پائیز ۱۹۳۴ در بوستون آمریکا ایراد شد. هنگام تألیف کتاب حاضر، هرتسفلد ناگزیر شد، با توجه به نتیجه‌های تازه کاوش‌هایی که در فاصله سال‌های ۱۹۴۱-۱۹۳۴ انجام شده بود، در متن سخنرانی‌های اول و دوم تغییراتی بدهد و مطالبی را بر آن‌ها بیفزاید. مترجم معتقد است، اگر این کتاب نیم قرن پیش به زبان فارسی ترجمه می‌شد، شاید میراث عظیمی از اشیای هندی و باستانی این سرزمین، چنین گسترده به یغما نمی‌رفت. در ادامه توضیح می‌دهد، کتاب زمانی که مسائل تاریخی و باستان‌شناسی نمی‌توانستند در اولویت باشند، انتشار

یافته است (بحبوحه جنگ جهانی دوم) و این بیانگر اهمیت فوق‌العاده کتاب به عنوان مرجع و راهنمای جامعی درباره گذشته و فرهنگ پیش از تاریخ بومیان سرزمینی است که بعدها «فلات ایران» نامیده شد.

کتاب در چهارفصل به این شرح تدوین شده است:

فصل اول: «دوره پیش از تاریخ (قبل از اختراع خط)، یعنی عصر حجر، نوسنگی و مفرغ. عصر اخیر با پیدایش خط (حدود هزاره سوم پیش از میلاد) همزمان بوده است. آغاز عصر مفرغ در آسیای غربی با

صفحه اول

تاریخ، یعنی

هنگامی که

کهن‌ترین اسناد

مکتوب از آن

به دست آمده،

یکی است.

فصل دوم:

سپسیده‌دم

تاریخ. در

بخشی از فلات

ایران که

سرنوشت‌ساز

بود و در

خوزستان کنونی

واقع است و ایلام نامیده می‌شد، همزمان با سومر باستانی، گونه‌ای خط مستقل ابداع شد که امروزه آن را خط ایلامی بدوی می‌نامند. مؤلف با کمک و تکیه بر یافته‌های باستان‌شناختی، به شرح این دوره پرداخته است.

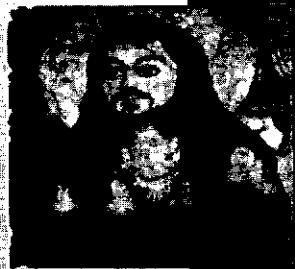
فصل سوم: عصر هخامنشیان. مؤلف هنر اصلی دوره هخامنشی را معماری آن دانسته و به شرح و تفسیر بناهای آن پرداخته است. چکیده نظرات مؤلف راجع به معماری هخامنشی و تخت جمشید از این قرار است: تخت جمشید ظاهراً جایی بوده که با انگیزه تاریخی و عاطفی در زادگاه خاندان سلطنتی پی افکنده و بنا شده است و تنها گاهی برای اجرای مراسمی خاص از آن استفاده می‌شد. البته نقشه دقیق تمام بناهای آن، به عنوان مجموعه ساختمانی واحدی، از قبل فراهم شده بود.

فصل چهارم: دوره‌های اشکانی و ساسانی. مؤلف، حمله اسکندر را به شرق باستان، عمیق‌ترین زخم در تاریخ پنج هزار ساله آن دانسته است. ابتدا به شرح آثار و ابنیه باقی مانده از عهد اشکانی پرداخته و دوره اشکانی را با هخامنشی مقایسه کرده است. سپس به بررسی هنر عصر ساسانی که از دوره اشکانی شروع و تا آغاز دوره اسلامی ادامه می‌یابد (حدود ۱۰۰۰ سال)، پرداخته است. در نهایت سیر تحول هنر حجاری نقش برجسته و مجسمه‌سازی ساسانی را مورد توجه قرار داده و آن را تقسیم‌بندی کرده است.



کیش مانوی

عناصر ایرانی در



پرافذ آکتور شروو

محمد شکری فومشی

محمد رحیم ربانی زاده

عناصر ایرانی در کیش مانوی

مؤلف: پرادز اکتور شروو

مترجم: محمد شکری فومشی

ناشر: طهوری، چاپ اول، سال ۱۳۸۲

مانی به سال ۲۱۶ میلادی در روستایی در مرکز ولایت میشان بابل دیده به جهان گشود. وی در طفولیت به آئین مغتسله تربیت یافت. اما بعدها چون از ادیان زمان خود مانند دین زرتشتی و عیسوی و مذهب های گنوستیک، خصوصاً مسلک ابن دیصان و مرقیون آگاه شد، کیش مغتسله را انکار کرد.

وی در عهد حکومت اردشیر اول، به هند سفر کرد و مردم را به دین خویش خواند. چون خبر مرگ اردشیر و جلوس شاپور را شنید، به ایران بازگشت و در خوزستان به حضور شاپور بار یافت. مانی معتقد بود: هر زمانی حقیقت از جانب خدا توسط کسی به مردم ارائه می شود و من به عنوان پیامبر حق، مأمور نشر حقایق در سرزمین بابل گشتم.^۱ وی می خواست دینی جهانگیر و عام تشریح کند. از این جهت، عمداً آرای خود را با عقاید ملل متنوع وفق داده و اصطلاحات آنان را به کار برده است.^۲

یار شاطر در خصوص تأثیرپذیری مانی از آئین های ایرانی آورده است: «نقطه حرکت دستگاه دینی مانی، اندیشه اساطیری ایرانی جنگ پایدار میان دو اصل متقابل، یعنی اوهرمز و اهریمن است.»^۳ اما در متون مانوی که به زبان های فارسی میانه نوشته شده اند، خدای بزرگ یا اصل خیر، نه اوهرمز، بلکه «زروان» نام دارد.^۴

کیش مانوی از نادرترین دین هایی است که جز مدت اندکی، آن هم در زمان شاپور اول، مورد حمایت هیچ حکومتی قرار نگرفت و شدیدترین برخوردها از ناحیه حاکمان در ابتدا با شخص مانی و سپس با پیروان و هواداران او در اقصانقاط جهان صورت گرفت؛ تا جایی که شدیدترین مجازات، شامل حال کسانی می شد که به مانویت متهم می شدند. با وجود این، مانویت به حیات دینی خود ادامه داده است و هنوز هم پیروانی دارد.^۵ مانی سرانجام در سال ۲۷۷ میلادی، با حکم موبدان ساسانی، فریاد برآوردن بر جهان را به پایان برد.

کتاب هایی که درباره مانی به رشته تحریر درآمده اند، معمولاً به صورت یکسان و شبیه به هم ابعاد گوناگون زندگی این پیامبر، اندیشه و پیروانش، نحوه گسترش کیش وی و تأثیر آن بر سایر ادیان و فرقه ها را قلم زده اند. اما آنچه این کتاب را از بقیه متمایز می سازد، این است که نویسنده موضوع خاص «عناصر ایرانی موجود در کیش مانوی» را بررسی کرده که این کار، در نوع خود قابل تحسین است.

برای چاپ ترجمه آن، در آغاز کتاب متنی به عنوان «سخن مترجم» درج شده است. پس از آن، متنی درباره نویسنده تنظیم شده که درباره چگونگی شکل گیری تألیف کتاب و بیان برخی ویژگی های مؤلف آن، توضیح کاملی می دهد.

آغازین جمله قسمت اول کتاب (ص ۳۲)، این سؤال است که: «خاستگاه کیش مانوی را باید در دین زرتشتی ایران جست و جو کرد یا در ادیان جاهای دیگر؟» سپس ضمن طرح نظریات گوناگون درباره خاستگاه های کیش مانوی، سه نظریه اجمالاً آمده است:

نخست، تفسیر و توجیه مورخانی که کوشش کرده اند، شالوده آئین مانوی را بر آموزه های مسیحی و سایر مذاهب ها منطبق کنند. دوم، بیان عقاید گروهی از مورخان، مانند گنویدن گرن که برخلاف گروه اول، باور داشته اند، اکثر عناصر آموزه های مانی، پیشینه ای ایرانی داشته اند.

سوم، دیدگاه پژوهشگرانی که وجود هر عنصر ایرانی را در مذهب اصیل مانوی تکذیب می کنند.

سپس، مؤلف منابع کیش مانوی و دین ایرانی را بررسی می کند و مهم ترین جنبه های مسأله بازشناسی عناصر یا تأثیرات دین ایرانی در

کیش مانوی را مطرح می‌سازد. همچنین، با آوردن اشتراکات و بن‌مایه‌های هر دو دین و تأثیر مانویت بر دین زرتشتی، به بررسی نظام‌های دینی و متون ایرانی و تأثیر آن‌ها بر مانویت می‌پردازد. و با تلفیق این دو آئین و تشابهات هر دو و اقتباس‌های مانی از دین و اسطوره‌های ایرانیان و تطبیق نوشته‌های مانوی با متون اصیل زرتشتی، به دنبال پاسخ‌سؤالی هستند که در آغازین جمله اول کتاب مطرح شده است.

پردازاکتور در ادامه کوشیده است، با آوردن و مقایسه موارد مشابهی مانند: آفرینش و آمیختگی، انسان نخستین، تخمه^۶ و آسمان و نخستین زوج بشر، پاداش انسان پس از مرگ، همزاد یا بدل، داور با ترازو- ترازویی برای سنجش کرده‌هایت. چون داوری با ترازو می‌سنجد و نجات یافتگان و محکوم شدگان را با سخن‌شان، شهر یاران، نردبان^۷، آن سوی پل^۸ و ضیافت‌ها، و فرجام‌شناسی که در آئین مانوی و دین زرتشتی وجود دارند، به الهام گرفتن کیش مانوی از عناصر ایرانی قوت بخشند.

نویسنده در آخر کتاب به نتیجه‌گیری پرداخته و چنین نگاه‌اشته است: «اولین نتیجه‌ای که می‌توان از این بررسی گرفت، این است که اقتباس‌های مانی از دین ایرانی، نه از کیش زروانی، بل از دین زرتشتی مورد قبول عامه بوده است... از طرف دیگر، وجود عناصر بنیادی مسیحی در فرجام‌شناسی مانوی، غیرقابل انکار و محرز است.» ص ۹۹

مؤلف در این نوشته مختصر، همان‌گونه که مترجم محترم در ابتدای کتاب آورده، بدون «ارائه راه‌حل نهایی»، به این بحث خاتمه داده است. کتاب حاضر گرچه مانند سایر کتاب‌ها فاقد فصل‌بندی، بخش... است، ولی فهرست مطالب و کتاب‌شناسی و نمایه دارد. یادداشت‌های کتاب‌شناختی مترجم در پایان، بر غنای کتاب افزوده‌اند و برای کسانی که می‌خواهند در مورد مانی اطلاعات بیش‌تری داشته باشند، بسیار جالب و قابل استفاده خواهد بود؛ خصوصاً این که ترجمه کتاب روان و قابل فهم است.

زیرنویس:

۱. کریستین سن، آرتور. ایران در زمان ساسانیان. ترجمه رشید یاسمی. دنیای کتاب. تهران: چاپ هشتم، ۱۳۵۷، ص ۲۶۰.
۲. همان.
۳. یارشاطر، احسان (گردآورنده). تاریخ ایران کمبریج (جلد ۳، قسمت دوم). ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷، ص ۴۲۵.
۴. همان.
۵. دکره، فرانسوا. مانی و سنت مانوی. ترجمه عباس باقری. تهران: نشر و پژوهش فرزاد. ۱۳۸۰، ص ۷۱.
۶. در اسطوره‌های زرتشتی، تخمه مردمان و گاوآن از روشنی و سبزی آسمان آفریده و در تن گاو ایو کداد و گیومرد نهاده می‌شود تا افزایش نسلشان از آن باشد و نوع بشر به نوبه خود از تخمه گیومرد که در لحظه مرگش به بیرون فرجه‌اید، پدید می‌آید. به همین نحو در اسطوره مانوی، نیزوهای بشر اغوا می‌شوند و تخمه‌شان در حالت انزال بر زمین فرو می‌ریزد و سرانجام از آن نوع بشر پدید می‌آید؛ سپس پوست آرخن‌ها برکنده و از آن آسمان ساخته می‌شود.
۷. در متن‌های پهلوی داستان «دئنا» (دین) دست یافتن به جایگاه برین آن دنیا بوسیله یک نردبان میسر می‌شود. و در متون مانوی: «... نردبانی برای ره نمودن به عرش...» ص ۸۹.
۸. در متون زرتشتی، روان از پل از راه ستاره پایه، ماه پایه و خورشید پایه به بهشت فراز می‌رود. به همین نحو، در نظام مانوی نیز روان‌ها نخست به ماه، سپس به خورشید و سرانجام به بهشت منتقل می‌شوند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مهناز نگهی

فرهنگ ناموران معاصر ایران:

جلد اول (از) آبادانی، فرهاد (تا) آینه‌وند، صادق.
زیر نظر: شورای عالی فرهنگ ناموران معاصر ایران،
تهران، چاپ اول، سوره، ۱۳۸۱.

فرهنگ ناموران، در اصل دایرةالمعارفی است مشتمل بر شرح حال شخصیت‌های مهم علمی، فرهنگی، هنری، سیاسی، ورزشی و نظامی ایران در صد سال اخیر که مقطع زمان ۱۳۰۰ تا ۱۴۰۰ هجری قمری را دربر می‌گیرد.

در این کتاب سعی شده است تا به زندگی و آثار کسانی که در سده



اخیر در تحولات علمی، فرهنگی، هنری، ورزشی، سیاسی، نظامی و اقتصادی کشور نقش داشته‌اند، پرداخته شود تا از این طریق، هم نام این افراد حفظ شود، و هم گامی در جهت آشنایی نسل جوان با آن‌ها برداشته شود.

جلد اول کتاب فرهنگ ناموران معاصر ایران، در قطع بزرگ و در ۴۰۳ صفحه ارائه شده است. زندگی‌نامه‌های فرهنگ مطابق رویه همه دایرةالمعارف‌ها، به ترتیب الفبایی نام خانوادگی یا شهرت شخصیت تنظیم شده است.

برای انتخاب افرادی که شایستگی معرفی در فرهنگ ناموران را داشته باشند، ملاک‌های خاصی در نظر گرفته شده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: ابتکار، تداوم کار، کیفیت کار، کمیت کار و میزان شهرت در قلمرو فعالیت مربوطه.

چون در فرهنگ ناموران، علاوه بر پرداختن به زندگی گذشتگان،

شرح حال کسانی که در جامعه حضور دارند نیز

مدنظر است، برای

جلوگیری از هر

اشتباهی سعی

شده است،

از طریق مراجعه

حضوری یا مکاتبه

با افراد، اطلاعات

اولیه درباره زندگی

آنان جمع‌آوری شود. نتیجه این اقدام ارزنده، فراهم

شدن حدود ۱۰ هزار زندگی‌نامه خودنگاشته در آرشیو و فرهنگ برای

تنظیم مستند و دقیق زندگی‌نامه افراد، شیوه‌نامه کاملی تنظیم و مورد

استفاده قرار گرفته است. این شیوه‌نامه در ابتدای فرهنگ چاپ شده

است و در آن، ضمن بیان چگونگی تدوین مقالات، اطلاعاتی راجع به

استفاده از مقالات نیز ارائه شده است تا خواننده در این زمینه با مشکلی

مواجه نشود

مقالات جلد اول با نام فرهاد آبادانی آغاز و با نام صادق آینه‌وند به

پایان می‌رسند. شیوه ارائه مقالات به این صورت است که ابتدا نام

شخصیت، سال و محل تولد، سال و محل خدمت، سمت و

مسئولیت‌های مهم یا وجه شهرت فرد، در کنار عکس شخصیت ذکر

می‌شوند؛ مانند: آبادانی، فرهاد (۱۳۰۰ ش. اردکان-۱۳۵۹ ش.

اصفهان)، عضو هیأت علمی دانشگاه، پژوهشگر فرهنگ و زبان ایران

باستان.

ذیل نام و مشخصات هر فرد، مقاله‌ای راجع به زندگی او ارائه شده

است که مشتمل بر اطلاعاتی راجع به تولد، خانواده، دوران تحصیل و

کار، فعالیت‌های فردی، گرایش‌های فکری و... اوست. اطلاعات

زندگی‌نامه، تا مرگ افراد را شامل می‌شود و راجع به افرادی که هنوز

در قید حیات هستند.

نیز اطلاعاتی تا محدوده زمانی یک یا دو سال اخیر، ارائه شده

است. سپس اطلاعاتی راجع به آثار نوشتاری و دستاوردهای فکری یا

هنری فرد ارائه شده است. در پایان هم منابع و مأخذ مقاله به ترتیب

الفبایی تنظیم شده و سپس نام نویسنده مقاله ذکر شده است. در جلد

اول فرهنگ ناموران، زندگی‌نامه ۲۳۱ شخصیت تنظیم و تدوین شده

است.

در ابتدای کتاب، نام افرادی که در شکل‌گیری فرهنگ ناموران نقش

داشته‌اند، ذکر شده است. مجموعاً ۱۸۴ نفر از پژوهشگران و

تحصیل‌کردگان رشته‌های تاریخ و ادبیات، و دستیاران تحقیق و امور

اجرایی، با حمایت «دفتر ادبیات انقلاب اسلامی» حوزه هنری، به کار

تنظیم و تدوین این فرهنگ مشغول هستند.

طبق اعلام مسؤولان فرهنگ قرار است در مرحله اول، یک

مجموعه سی جلدی از زندگی‌نامه افراد نخبه و نامور به صورت عمومی

و کلی تدوین و منتشر شود و در مرحله بعد، برای تهیه فرهنگ‌نامه‌های

تخصصی در رشته‌های مشخص، اقدام لازم صورت گیرد. تشکیل

قریب به ۶۰ هزار پرونده علمی، پشتوانه قابل توجهی برای رسیدن به

هدف‌های مذکور است.

تا قبل از این، تحقیقات کاملی راجع به شرح حال افراد معاصر و

شاخص کشورمان انجام نشده بود و فرهنگ ناموران سعی در جبران این

خلأ دارد.

فرهنگ ناموران اشکالاتی نیز دارد. در این فرهنگ برای انتخاب

افراد نامور معیارهای خاصی وجود داشته است، اما در بعضی موارد به

نظر می‌رسد که این معیارها به طور کامل رعایت نشده‌اند و نام افرادی

در این فرهنگ به عنوان نامور ذکر شده است که جای تأمل دارد.

همچنین نام برخی از افراد نیز در این فرهنگ به چشم نمی‌خورد که جای

تعجب دارد. از دیگر اشکالات می‌توان به این نکته اشاره کرد که در

مورد حجم مقالات هماهنگی لازم وجود ندارد. حجم برخی خیلی

زیاد و حجم برخی نیز خیلی کم است. شاید بهتر بود که حجم مقالات

با توجه به ارزش کار و خدمات فرد، دقیق‌تر تعیین می‌شد و حدی معین

برای آن در نظر می‌گرفتند.

در فرهنگ ناموران اکثر مقالات همراه با عکس فرد مورد نظر است.

اما برخی مقالات فاقد عکس هستند و بهانه موجود نبودن عکس، به

خصوص در مورد افرادی که هنوز در قید حیات هستند، قابل توجیه

نیست. بهتر بود که همه مقالات دارای عکس بودند. همچنین اضافه

کردن فهرست اعلام، کمک مؤثری به استفاده سهل‌تر از فرهنگ

می‌نماید.

با وجود کاستی‌هایی که در فرهنگ ناموران معاصر ایران به چشم

می‌خورد، در مجموع باید گفت، اثری ارزشمند است که می‌توان در

زمینه‌های گوناگون از آن استفاده کرد.

